

نشریه علمی

پژوهشنامه ادبیات تعلیمی

سال چهاردهم، شماره پنجاه و پنجم، پاییز ۱۴۰۱، ص ۱۳۴-۱۰۷

تحلیل مضامین آموزشی، تربیتی و عاطفی اشعار کودک ناصر کشاورز

فرزانه فرازمند* - دکتر محمود صادقزاده** - دکتر هادی حیدری‌نیا***

چکیده

ناصر کشاورز از شاعران نامدار شعر کودک معاصر است. هدف اصلی این پژوهش، تبیین مضامین برجسته و پر بسامد در اشعار کودکانه این شاعر است؛ از این رو، مهم‌ترین مضمون‌ها، درون‌مایه‌ها و پیام‌های اشعار کودک کشاورز در قالب رویکرد کیفی پژوهش و با استفاده از روش تحلیل مضمون به‌شیوه توصیفی و تحلیل استقرایی بررسی و ارزیابی می‌شود. جامعه آماری و محدوده پژوهش حاضر اشعار کودک ناصر کشاورز بوده است. از میان کتاب‌های پر شمار شاعر، یازده شعر برای نمونه انتخاب شد. ملاک تعیین حجم نمونه، رسیدن به اشباع نظری بوده است. تحلیل داده‌ها با استفاده از کدگذاری استرلینگ (۲۰۰۶) انجام شده است. یافته‌های پژوهش بیانگر این است که ناصر کشاورز چهار مضمون سازمان‌دهنده را در اشعار کودک خود مطرح کرده است. این چهار مضمون در مسیر روش‌شناختی پژوهش حاضر و از ترکیب و تلخیص پنجاه و سه

* دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران

farzanefarazmand@gmail.com

** دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران (نویسنده مسؤل)

sadeghzadeh@iauyazd.ac.ir

*** استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران

heidari_hadi_pnuk@yahoo.com

تاریخ پذیرش ۱۴۰۱/۶/۲۸

تاریخ وصول ۱۴۰۱/۳/۲۳

مضمون پایه به دست آمد. می توان گفت کشاورز یکی از شاعران موفق معاصر ایران است که حالت روایی و سیر داستانی را در آثار خود حفظ کرده است. او توانایی خود را در سرودن شعر کودک و در آمیختن زبان کودکانه با دنیای کودکی و عالم تخیل نشان داده است. اصلی ترین مضامین اشعار ناصر کشاورز شامل آموزشی و تربیتی، موضوعات لذت بخش و سرگرم کننده، طبیعت گرایی، احساسی و عاطفی است. در این میان، مضمون های احساسی و عاطفی، مهم ترین و برجسته ترین مضمون اشعار کودکانه ناصر کشاورز است که بیشتر با عنصر خیال ترکیب شده است.

واژه های کلیدی

ناصر کشاورز؛ شعر کودکان؛ مضامین تربیتی؛ طبیعت گرایی؛ مضامین عاطفی

۱- مقدمه

جامعه علمی، به ویژه روان شناسی، سالهاست به کودک توجه کرده است؛ اما با گذر از این نظریه «که کودک بزرگ سالی کوچک است که باید شیوه صحیح زندگی را به او یاد داد»، شیوه تلقی جامعه و محققان نسبت به کودک تغییر کرد؛ نیز با تبیین بایستگی و ارزش دوران کودکی، بخشی مهم از زندگی انسان، کودکان به طور جدی مخاطب تولید علم، هنر و ادبیات قرار گرفتند. با کشف زوایای دوران کودکی، این تولیدات از جهت اثربخشی در روند انواع رشد کودکان ارزش گذاری می شوند.

نظریه دوم درباره کودکان بیان می کند که کودک، خود هویتی مستقل و دنیایی جدا از دنیای بزرگ سالی دارد که باید آن را شناخت و با توجه به شرایط این دنیا با او برخورد کرد. پژوهشگران ادبیات کودک نمود چالش این دو نظریه را در آثار خلق شده برای کودکان و نوجوانان جست و جو می کنند. شعر کودک از بارزترین نمونه های ادبی کودکان است که انتظار می رود به عالم کودکی و ویژگی های ذهنی، ادراکی و زبانی آنها توجه داشته باشد. شعر کودک در ایران با کارهای باغچه بان و یمنی شریف به طور خاص، و با نمونه هایی از دیگر شاعران مثل ایرج میرزا، پروین اعتصامی و... به طور پراکنده شروع شد.

«شعرهای عباس یمینی شریف با آنکه هنوز متکی به توجه همه‌جانبه و مبتنی بر شناخت نظری از خاصه‌های ذهن کودک نیست، اما از بسیاری از جهات از جمله از لحاظ سادگی، وزن، واژگان و آهنگ بسیار به دنیای کودکان نزدیک است. از نظر مضمون آنچه اهمیت بیشتری دارد، توجه به نیازهای خاص کودکان از یک سو و توجه به خصوصیات ادراکی و عاطفی آنها از سوی دیگر است. مهم‌ترین سبب تفاوت در درون مایه شعر کودک با شعر بزرگسال، جهان‌بینی مخاطب و نگاه خاص کودک به زندگی است که تخیلی متفاوت از جنس تخیل بزرگسالان به وجود می‌آورد؛ بنابراین، شاعر کودک باید درون‌مایه و تخیلی متناسب با مخاطب برگزیند تا شعر او مؤثر و دل‌نشین واقع گردد» (رک. کیانوش، ۱۳۷۰: ۱۰۳-۱۰۵).

در شعر کودک برای مضامین مختلف وزن‌های متفاوت و متنوعی به کار گرفته می‌شود. مضامین شاد و سرگرم‌کننده وزن‌هایی را می‌طلبد که با محتواهای غم‌انگیز تفاوت دارد. شعر کودک امروز از وزن‌های عامیانه بهره‌ی زیادی می‌برد. این وزن‌ها طی زمان صیقل خورده‌اند و با روحیات گروه‌های وسیع مردم پیوسته‌اند و در انتقال مضامین به یاری شاعر می‌آیند.

انتخاب واژه‌ها و ترکیبات و نیز آفرینش صورت‌های خیال مناسب با درک و دنیای کودکی علاوه بر تأثیر بر خلق مضامین، موجب نشاط، حرکت و جنبش در کودکان است. کودک در چنین فضایی رشد می‌کند و از خواندن شعر لذت می‌برد و با موضوعات و مضامین متنوع آشنا می‌شود و زندگی می‌کند.

شعر کودک دارای موضوعات و محتواهای گوناگونی است و هر مطلبی که برای کودک درک‌پذیر باشد می‌تواند موضوع مضامین شعر کودک قرار گیرد؛ از این رو موضوع پژوهش حاضر و طبقه‌بندی مضامین و مطالب شعر کودک به‌ویژه در آثار ناصر کشاورز - که یکی از شاخص‌ترین شاعران کودک‌سراست و تمام زندگی خود را به این کار اختصاص داده است - اهمیت خاصی دارد.

مضامین شعر کودک اگر سنجیده و متناسب با نیازها و خواسته‌های کودک باشد، در پرورش روح و گسترش ذهن او بسیار اثرگذار است؛ نیز شناخت ویژگی‌های شعر

کودک و شاعران موفق این گونه ادبی به پیشرفت آن کمک خواهد کرد و این از ضروریات تحقیق پیشروست.

۱-۱ بیان مسئله

شمارگان شگفت‌آور انتشار آثار ادبی کودک و نوجوان در ایران از یک‌سو و وجود جمعیت چندمیلیونی کتابخوان در سنین کودکی و نوجوانی ازسوی دیگر، ایجاب می‌کند که تحقیقات بیشتری در زمینه ادبیات و شعر کودک صورت گیرد.

بنابراین ضرورت پرداختن به مضمون به‌عنوان یکی از شاخص‌های تأثیرگذار در شعر کودک احساس می‌شود؛ بدین ترتیب تحقیق حاضر ضمن بررسی تحلیلی مضامین برجسته شعر کودک در اشعار ناصر کشاورز، به دنبال یافتن پاسخی مناسب برای این سؤالات است: اشعار کودک دارای چه ویژگی‌هایی است که آن را از اشعار بزرگسالان متمایز می‌کند؟ محوریت مضامین اشعار کودک چیست؟ مضامین شاخص اشعار ناصر کشاورز چیست؟

۲-۱ شناخت‌نامه ناصر کشاورز

ناصر کشاورز ۲۰ اردیبهشت ۱۳۴۱ در تهران به دنیا آمد. در پنج‌سالگی همراه خانواده راهی دامغان شد. او تحصیلات ابتدایی تا دیپلم متوسطه را در دامغان گذراند در سال ۱۳۶۷ در رشته صنایع در دانشگاه پذیرفته شد؛ اما پس از یک ترم تحصیل انصراف داد و تمام‌وقت به ادبیات کودک پرداخت. ناصر کشاورز شعر کودک را با هم‌کاری مجله کیهان بچه‌ها شروع کرد. مجله کیهان، آن روزها جلسه‌های شعری داشت که اغلب شاعران کودک و نوجوان در آن شرکت می‌کردند. نخستین شعر او سال ۱۳۶۲ در همان مجله چاپ شد. کشاورز نخستین کتاب خود را با نام *من و مرغابی‌ها* در سال ۱۳۶۵ منتشر کرد. او افزون بر اینکه پرکارترین شاعر کودک است، بیشترین جایزه را نیز در این حوزه دریافت کرده است. یکی از مهم‌ترین این جایزه‌ها، نشان «ماه طلایی» از جشنواره بزرگ ادبیات کودک و نوجوان است که به‌عنوان یکی از شاعران برگزیده بیست سال اخیر به دست آورد.

همچنین جایزه دوازدهمین جشنواره کتاب کودک و نوجوان در بخش شعر برای کتاب «مداد کوتاه»، نشان «مداد پرنده»، بارزش‌ترین نشان کانون پرورش فکری کودکان

و نوجوانان، و کسب جایزه‌های متعدد از جشنواره‌های گوناگون، نیز جایزه مجله «سلام بچه‌ها» و جایزه‌هایی از جشنواره مطبوعات کودک و نوجوان، بخشی از جایزه‌های ثبت شده در کارنامه هنری اوست. ناصر کشاورز افزون بر شعر، اهل موسیقی نیز هست. او عود و گیتار می‌نوازد و می‌خواند (رک. معدنکار، ۱۳۹۴: ۱۷-۱۹).

۳-۱ آثار ناصر کشاورز

از ناصر تاکنون حدود ۱۶۰ عنوان کتاب در حوزه ادبیات کودکان منتشر شده است. تاکنون جوایز متعددی در حوزه شعر کودک و نوجوان دریافت کرده که کسب جایزه دوازدهمین جشنواره کتاب کودک و نوجوان در بخش شعر برای کتاب *ماد کوتاه* یکی از این جوایز است.

برخی از آثار وی عبارت‌اند از: *بوی گردوهای کال* (۱۳۸۵)؛ *گنجشک و پروانه* (۱۳۸۵)؛ *فرشته‌ای از آسمون* (۱۳۸۸)؛ *تالاب تولوپ عروسک و ماشین و توپ* (۱۳۸۸). آثار ناصر کشاورز نشان دهنده توانایی او در طنزپردازی برای کودکان است. او در طنزپردازی مانند سنگ‌تراشی مضامین طنز خود را در ذهن کودکان نقش می‌زند. کودکان به لبخند نیاز دارند و زبان طنز در شعر کودکان پاسخ‌گوی این نیاز است. این نگاه ویژه ناصر کشاورز است.

وی در استفاده از طنز تکنیک‌های مختلفی دارد که برخورد نمادین با پدیده‌ها از جمله این ویژگی‌هاست؛ برای نمونه وقتی می‌خواهد پدیده‌های مذهبی را برای کودکان مطرح کند، به صورت طنز آن را برای پذیرش کودکان بیان می‌کند. رازآمیزی، شگفت‌انگیزی و معماگونی در شعر نیز از دیگر ویژگی‌های اشعار وی است؛ زیرا به سرگرمی و لذت در شعر نیز توجه ویژه‌ای دارد. طبیعت در آثار و اشعار کشاورز نقش مهمی در رشد معنوی کودک دارد. در اشعار استاد، شگرد نزدیک شدن به پدیده‌ها و سخن گفتن از زبان آن‌ها همانند شاخصی مهم خودنمایی می‌کند و از این راه کودکان را به پدیده‌ها نزدیک می‌کند. کشاورز سعی می‌کند کودک در فضایی شاعرانه، لطیف و اکتشافی با طبیعت آشنا شود. این شاعر علاوه بر نویسندگی و شاعری، فردی خوش‌فکر است که توانسته است به خوبی آموزه‌های مختلف را در ذهن کودکان نقش بزند. وی در حوزه‌های آداب اجتماعی، رفتار

و کردار و سایر مضامین اخلاقی و معنوی به‌خوبی توانسته است در ذهن کودکان نقش‌آفرینی کند. ما در آثار ناصر کشاورز شاهد توانایی بسیار بالا در انتقال مفاهیم به‌ویژه مفاهیم معنوی هستیم؛ نمونه‌ی اخیر آن «راز تاک» است که بیانگر فکر والا و توانایی ویژه برای رساندن پیام‌ها به نسل نو هستند.

۴-۱ سبک ادبی ناصر کشاورز در شعر کودک

ناصر کشاورز شاعری نوگرا و صاحب سبک است. اشعار وی سرشار از لغات و تعبیرات عامیانه و کودکانه همراه با وزن‌های متنوع است. کشاورز می‌کوشد در سرودن اشعار خود از همه‌ی حواسش بهره ببرد و اشعارش را به زبانی ساده و کودکانه بسراید؛ به‌طوری‌که احساسات وی برای کودکان نیز ملموس و درک‌شدنی باشد. «بازیگوشی کودکان یکی از ویژگی‌های شعر کشاورز است که هم در شکل و هم در نوع نگرشش به جهان پیرامون خویش، خودنمایی می‌کند» (الله‌بخش، ۱۳۹۹: ۱۱). «بیشتر اشعار و قصه‌های منظوم کشاورز محتوایی اجتماعی - خانوادگی دارند و ترسیمی از برداشت کودک از جامعه و خانواده است؛ شخصیت‌ها، افراد و وقایعی که کودک در زندگی روزمره با آن‌ها سروکار دارد» (اسحاقی، ۱۳۹۵: ۱۵). «از دید ناصر کشاورز، کودکی منشأ بسیاری از خلاقیت‌ها و شکوفایی علمی و صنعتی است. او می‌کوشد با خاطرات و دنیای کودکان زندگی کند. نوع نگاه او به دنیای کودکان در اشعار و آثار وی هویدا است. تنوع وزنی اشعار او حاکی از تسلط شاعر به موسیقی شعر است. پیوند میان اشعار و موسیقی باعث شده که اشعارش را به بهترین شکل ممکن به مخاطبان خود، یعنی کودکان القا کند. همین مسئله آثار کشاورز را جزو برجسته‌ترین و بهترین آثار کودک و نوجوان قرار داده و علاوه بر کودکان، نظر بزرگسالان زیادی را نیز به خود جلب کرده است» (الله‌بخش، ۱۳۹۹: ۱۸).

ناصر کشاورز در رابطه با شعر و ادبیات کودک چنین گفته است: «اعتقاد من این است که در شعر و در جهان کودک، ما باید دنیا را با پنج حس مان درک کنیم نه بر مبنای ذهنیات؛ یعنی باید احساسات خود را دوباره بیدار کنیم؛ بهتر ببینیم؛ بهتر بشنویم؛ بهتر بو بکشیم؛ بهتر لمس کنیم و بهتر بچشیم. حتی مزه‌ی غذاهایی را که قبلاً خورده‌ایم دوباره

کشف کنیم و دقت کنیم این مزه واقعاً چه بوده است. من می‌خواهم همه حس‌هایم در شعرهایم درگیر باشد». وی ادامه می‌دهد: «یک بار از من پرسیده بودند چه رنگی را دوست دارید گفتم اصلاً نمی‌توانم بین رنگ‌ها فرق بگذارم. همه رنگ‌ها را دوست دارم، همه رنگ‌ها حرف‌هایی برای گفتن دارند که برای شنیدنشان باید دقت کنیم. وقتی دقت بینایی بالا برود آن وقت می‌شود به لحظه‌هایی رسید در درک رنگ‌ها که حال و هوای شاعرانه‌ای هم دارند. وظیفه من به‌عنوان یک شاعر کودک و نوجوان این است که حس‌های خودم را به زبان بچه‌ها ترجمه کنم؛ طوری که آن‌ها هم در این حس‌ها و کشف‌ها شریک شوند. گاهی اوقات توضیحات من شاید زیاد به نظر برسد؛ اما بچه‌ها به جزئیات علاقه دارند؛ مخصوصاً خردسالان. من به این نتیجه رسیده‌ام هرچه ساده‌تر بگویم، بیشتر می‌توانم به مرزهای شگفتی نزدیک شوم. شگفتی در چیزهای ساده نهفته است نه در اموری که پیچیده به نظر می‌رسند» (رک. اسحاقی، ۱۳۹۵: ۴۱).

«در من زده جوانه / داده به چشم‌هایم / یک دید شاعرانه / نسبت به زندگی هم / تغییر کرده دیدم / حس می‌کنم که الآن / یک آسمان امیدم / در گوشه دل خود / رازی نهفته دارم / مثل سکوت صداها / حرف نگفته دارم / درگیر با بلوغم / لبریز از سؤالم / با ذهن کوچک خود / سرشار از خیالم / پر می‌زنم به شادی / در آسمان رؤیا جا می‌دهم در آغوش / فردای زندگی را» (کشاورز، ۱۳۸۴: ۶).

۱-۵ تقسیم مضامین شعر کودک

گروهی از پژوهندگان، ادبیات کودکان و نوجوانان را براساس محتوا و مضمون، به لایایی، اشعار بی‌معنی، (هیچانه)، اشعار مربوط به زندگی کودکان قصه‌ها (منظوم و مثنوی)، حکایت منظوم و اشعار طبیعت تقسیم‌بندی می‌کنند که چندان علمی به نظر نمی‌رسد. از میان تقسیم‌بندی‌ها، تقسیم مضامین شعر کودک به وصفی، تمثیلی، رفتاری، آموزشی، چندجنبه‌ای و مهمل، نسبت به سایر تقسیم‌بندی‌ها جامع‌تر است (رک. کیانوش، ۱۳۵۲: ۱۰۴).

زندگی روزمره و پدیده‌های گوناگون از مضامین مدنظر شاعران کودک است. با توجه به گروه‌های سنی متفاوت کودکان، ورود انتزاع در شعر کودک برای همه آن‌ها درک‌پذیر نیست؛ زیرا ذهن آن‌ها قادر به تداعی معنای براساس نشانه‌ها نیست؛ بنابراین موضوع و

محتوای شعر کودکان اغلب ملموس، ساده و تجربه‌پذیر است و همین امر باعث می‌شود صور خیال در شعر کودک محدود باشد؛ شاید بتوان گفت پربسامدترین آرایه ادبی در ادبیات کودک جان‌بخشی (تشخیص) و تشبیه است.

روشن است در ذهن آن‌ها هنوز آن همه گوناگونی تصاویر غنی موجود در ذهن بزرگسالان وجود ندارد؛ بنابراین از این نظر نیز شاعر کودک، ناگزیر باید محدودیت‌هایی را بپذیرد. «کنجکاو بودن و فعال بودن ذهن کودک از یک سو، و شور و شوق او در شناخت هر آنچه در معرض دید مستقیم او قرار می‌گیرد از سوی دیگر می‌تواند راهنمایی برای کشف مضامین مورد علاقه کودک باشد. کودکان به دلیل کنجکاو، به شناخت موجودات جاندار و بی‌جان محیط خود، دل‌بستگی زیادی دارند. در بسیاری از شعرهای کودک، این‌ها موضوعات اشعار رنگارنگی قرار گرفته‌اند» (الله‌بخش، ۱۳۹۹: ۶۱). «طبیعت و پدیده‌های زیبای آن، احساس‌ها و عواطف کودک در برخورد با این پدیده‌ها از جمله مضامینی است که با هزاران شکل و بیان در شعرهای کودکان آمده است» (کیانوش، ۱۳۵۲: ۴۹). در شعرهای کودکان، به ویژه کودکان کم‌سال، مضامین آموزشی نیز جای مهمی دارد؛ شناساندن گیاهان و جانوران و جلوه‌های گوناگون حیات انسانی از جمله این مضامین است. شعر کودک ایران کارش را با یاد دادن آداب و اصول زندگی و اخلاقی به کودکان آغاز کرد. شعرهای ایرج میرزا، بهار و پروین اعتصامی یادآور این جریان است. «امروزه شاعران کمتر به طور مستقیم به پند و اندرز می‌پردازند و نصیحت‌گویی مستقیم را چندان مثمر نمی‌دانند» (نورتون، ۱۳۸۲: ۷۱). «مضامین اجتماعی، دینی و اخلاقی نیز در اشعار کودکان به ویژه کودکان سال‌های سنی بالاتر در جای خود سهمی دارد. در این خصوص شاعران به ویژه تأکید دارند که کودکان را با مسئولیت‌های اجتماعی و سیاسی در ساختن آینده‌ای بهتر آشنا کنند» (همان: ۷۲).

بدین ترتیب، با توجه به تنوعی که در مضامین اشعار کودک وجود دارد، هر چیزی بر حسب سن مخاطب می‌تواند موضوع شعر باشد؛ بدین سبب، شاعران کودک بر جنبه فکری شعر بیشتر از جنبه زیباشناختی آن تکیه می‌زنند.

«شعر کودک کلامی است آهنگین که با تکیه بر وجوه صوتی و موسیقایی کلمات و وزن کلام و بهره‌گیری از عنصر تخیل و بیان مضامین زیبا و ساده به نیاز ذوقی کودک و

غریزه بازی او پاسخ می دهد. اینکه گفته می شود، شعر کودک سخنی است آهنگین به این معنی نیست که لزوماً مبتنی بر وزن و قافیه به مفهوم کلاسیک باشد. عنصر ریتم و آهنگ را شعرا به شکل های مختلفی به کار می برند که وزن و قافیه یکی از شکل های آن است» (علی پور، ۱۳۹۳: ۵۱). «با این همه بسیاری از شعرهای خوب کودک در زبان فارسی از قافیه به بهترین وجهی استفاده کرده اند» (نجفی، ۱۳۹۰: ۴۴)؛ شاید برای اینکه با استفاده از وزن و قافیه بهتر می توان به خوش آهنگ بودن کلام برای کودکان نزدیک شد. «خود کودکان در مثل ها که بر سر زبان دارند به عنصر قافیه جای مهمی می دهند. به هر حال آهنگین بودن یکی از عناصر اصلی شعر کودک است. در شعر کودک موسیقی نقش مهمی دارد» (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۸: ۶۹).

دونانورتون نویسنده کتاب شناخت ادبیات کودکان درباره شعر کودک می گوید: «شعر دریافت های تازه ای از جهان به دست می دهد. کودکان می توانند شریک احساسات، تجربه ها و دیدگاه های شاعران باشند. کودکان می توانند از رهگذر شعر، نیروی واژه ها را کشف کنند؛ همان نیرویی که شاعر توانایی آزادکردن آن را دارد. درک شعر برای فرد به گونه ای حس ششم به ارمغان می آورد که در زندگی از او انسانی چالاک می سازد» (نورتون، ۱۳۸۲: ۳۴۶). عباس یمینی شریف درباره تعریف شعر کودک می گوید: «شعر کودک کلامی است موزون و زیبا، چه از حیث ترکیب اصوات و کلمات، چه از حیث مضمون؛ اما در مورد اشعار دیگر باید هر دو عامل زیبایی در آن ها وجود داشته باشد. شعر کودک بر پایه موسیقی اصوات و کلمات بنا می شود و وسیله ای است برای بازی، حرکت و آواز او» (سهراب مافی، ۱۳۷۲: ۱۵۵).

۱-۶ پیشنهاد پژوهش

براساس بررسی های انجام یافته، تاکنون پژوهشی مستقل درباره موضوع تحقیق حاضر صورت نگرفته است؛ اما با توجه به اینکه چند دهه از شروع تولید آثار ادبی ویژه کودک در ایران می گذرد، آثاری در حوزه کلیات ادبیات کودک به شکل موردی نگارش شده است که برخی از ویژگی های شعر کودک را بررسی می کنند؛ در ادامه به چند پژوهش اشاره می شود.

نوروزی (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «تحلیل محتوای اشعار ناصر کشاورز (گروه سنی الف) براساس عوامل خلاقیت گیلفورد» نشان می‌دهد که در متن و تصویر کتاب‌های شعر ناصر کشاورز (گروه سنی الف) به اولین سطح از سطوح طبقه‌بندی اعمال ذهنی گیلفورد، یعنی حافظه شناختی بیشترین میزان توجه شده است و پس از آن تفکر و اگر قرار دارد و به سطوح دیگر، یعنی تفکر همگرا و ارزشیاب نسبت به دو سطح اول، یعنی حافظه شناختی و تفکر و اگر توجه کمتری شده است. گفتنی است تفکر ارزشیاب دارای کمترین سطح توجه است.

خدابخش و باقی‌نژاد (۱۳۹۴) در تحقیق خود با عنوان «موتیف‌ها و نشانه‌های مشهود در اشعار کودکان با تکیه بر اشعار ناصر کشاورز» بیان می‌کنند که گاهی به‌طور محدود با جاننشینی در شأن معانی و مفاهیم دیگر و با غنی کردن بار معنایی کلام و ژرفابخشی محور معنایی شعر و تقویت سویه‌های برونی و درونی، کلام کودکان به یک موتیف نمادین تبدیل شده است و معنای نمادین به خود گرفته است؛ و این موضوع با در نظر گرفتن مفهوم کودک و ویژگی‌های دنیای کودکی و در نظر گرفتن سن و سال، سطح آگاهی، دریافت و میزان درک مخاطب از جهان هستی و محیط پیرامونش، از جهاتی شایستگی تأمل دارد.

ربیعی (۱۳۹۱) نیز در پژوهش خود با عنوان «بررسی مفهوم کودکی در داستان‌های واقع‌گرای کودک در دهه ۸۰»، با بهره‌گیری از یافته‌های دانش روان‌شناسی و اصول حاکم بر داستان کودک، شیوه عملکرد نویسندگان دهه هشتاد را در بازتاب این مفهوم بنیادین در داستان واقع‌گرای کودک - که در حالتی بینابین به سر می‌برند - سنجش و ارزیابی کرده است تا به تعریف کاملی از مفهوم کودکی دست یابد. نکته مهم آن است که حتی صاحب‌نظران و متخصصان در رشته‌های مرتبط با مفهوم کودک و ادبیات کودک نیز قادر به ارائه تعریفی کامل و جامع از مفهوم کودکی نیستند؛ بنابراین نمی‌توان این مهم را تنها با بررسی آثار مرتبط با حوزه ادبیات کودک آن هم در دوره‌ای خاص تحقق بخشید.

مقصودلو راد و نودهی (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «بررسی و تحلیل محتوا و درون‌مایه در آثار ناصر کشاورز (با تکیه بر چهار مجموعه شعری)»، یافته‌های تحقیق را چنین بیان می‌کنند: شعرهایی که برای کودکان گفته می‌شود، باید کودک را به زندگی

واقعی‌اش نزدیک کند؛ زیرا شعر، تصویری از زندگی نیست؛ بلکه خود زندگی است. شعر کودک باید کوتاه و در عین حال شاد و پرشور باشد. ناصر کشاورز از جمله شاعران موفق معاصر در حوزه شعر کودک و نوجوان است؛ اشعار او علاوه بر موسیقایی و شاد بودن، حالت روایی دارد و سیر داستانی خود را حفظ کرده است و این موجب ایجاد علاقه در کودکان می‌شود؛ نیز چون ذهن کودک ساده است، باید تصاویر شعر کودک ملموس و عینی باشد و این ویژگی نیز در شعر کشاورز به روشنی دیده می‌شود.

خانی (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «بررسی مضامین برجسته شعر کودک در اشعار عباس یمینی شریف، محمود کیانوش و ناصر کشاورز» کوشیده است تا اهداف جزئی دیگری را بررسی کند؛ مانند مضامین به‌کاررفته در اشعار کودکانه عباس یمینی شریف، محمود کیانوش و ناصر کشاورز، همراه با بسامد مضامین به‌کاررفته در اشعار کودکانه اشعار شعرای یادشده و وجوه تفاوت و شباهت مضامین به‌کاررفته در اشعار کودکان آنان.

رضایی دیل و نظری (۱۳۹۸) در «بررسی سبکی قصه‌های منظوم ناصر کشاورز»، چهل و دو قصه منظوم کشاورز - سروده‌شده طی سال‌های ۱۳۷۱ تا ۱۳۹۵ - را بررسی و تحلیل کرده‌اند و روشن شده است کشاورز در قصه‌های منظوم آغازین خود بیشتر به استفاده از زبان نوشتاری گرایش داشته است؛ اما در کارهای بعدی خود به استفاده از زبان گفتاری و بهره‌گیری از لغات و تعبیرات عامیانه و کودکانه روی آورده است. در سطح شعری نیز کشاورز از تمایل به وزن‌های سنگین و آرام، حرکتی ملموس به سمت بهره‌گیری از وزن‌هایی با ضرب آهنگ تندتر و موسیقی پر نشاط‌تر داشته است. در سطح داستانی نمی‌توان یک‌دستی خاصی را در قصه‌های منظوم او دید. عمدتاً مهم‌ترین مسائل اثرگذار بر موفقیت بعضی و ناموفق بودن برخی دیگر از قصه‌های منظوم کشاورز، ویژگی‌های زبانی و عناصر شعری آن‌ها بوده و عناصر داستانی تأثیر کمتری در این مسئله داشته است.

چنانکه دیده می‌شود، پژوهش‌هایی درباره اشعار ناصر کشاورز انجام شده است؛ اما هیچ‌یک از این آثار به‌شکل تفصیلی به تحلیل کیفی مضامین اشعار کودک کشاورز نپرداخته‌اند. بلکه یا سبک اشعار ناصر کشاورز را به شکل گذرا و اجمالی بررسی کرده‌اند و یا به‌روش تطبیقی، محتوای اشعار ناصر کشاورز را بحث و بررسی کرده‌اند.

بدین ترتیب، تحقیق حاضر ضمن معرفی اشعار کودک ناصر کشاورز، تحلیل مضامین اشعار وی را نیز بررسی کرده است. همچنین مضامین به کاررفته در اشعار کودکان ناصر کشاورز: طبیعت‌گرایی، آموزشی و تربیتی، سرگرم‌کننده و لذت‌بخش و احساسی و عاطفی نیز بررسی شده است تا همه جوانب مضامین اشعار کودکان ناصر کشاورز به صورت کیفی تحلیل شود.

۱-۷ روش پژوهش

این پژوهش با هدف کاربردی و از منظر شناختی در دسته پژوهش‌های کیفی و با رویکرد روش تحلیل مضمون استقرایی قرار دارد. جامعه آماری، تمام اشعار کودکان ناصر کشاورز است و از میان آن‌ها مجموعه‌ای از شعرها به روش نمونه‌گیری هدفمند و با ملاک رسیدن به اشباع نظری برای نمونه پژوهش انتخاب شد. از آنجا که تحلیل مضمون، روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است، در تحلیل مضمون اشعار کودکان کشاورز به کار رفته است.

تحلیل مضمون استقرایی، داده‌های متنی را به داده‌هایی غنی و تفضیلی تبدیل می‌کند. تحلیل مضمون از مرور و کدگذاری جملات و عبارات آشکار در شعر این شاعر فراتر رفته و بر شناخت و توضیح ایده‌های صریح و ضمنی تمرکز کرده است؛ بنابراین ابتدا مضامین پایه استخراج و سپس با تحلیل و ترکیب مضامین هم‌معنا و حذف محتواهای تکراری، مضامین سازمان‌دهنده شکل گرفت.

در پایان نیز مضامین فراگیر به‌عنوان آخرین مرحله روش استقرا در تحلیل کیفی شمارش شد. برای اطمینان از پایایی و روایی یافته‌های کیفی پژوهش، پژوهش‌گر از فونونی چون بررسی کدها توسط همکار، واریسی کدها، استفاده از کدگذار دوم و روایت‌نویسی استفاده کرد.

۲- یافته‌های پژوهش

یافته‌های حاصل از تحلیل مضمون اشعار کودک انتخاب‌شده ناصر کشاورز بیانگر وجود چهار مضمون فراگیر و ده مضمون سازمان‌دهنده و سی و پنج مضمون پایه بود. در جدول ۱ فرایند استخراج مضامین پایه (اولیه) و عبارت مربوطه هر مضمون گزارش شده است.

جدول شماره ۱: یافته‌های کدگذاری و مضامین پایه استخراجی

ردیف	عبارت	مضمون
۱	در من زده جوانه/ داده به چشم‌هایم/ یک دید شاعرانه/ نسبت به زندگی هم/ تغییر کرده دیدم/ حس می‌کنم که الآن/ یک آسمان امیدم/ در گوشه دل خود/ رازی نهفته دارم/ مثل سکوت صداها/ حرف نگفته دارم/ درگیر با بلوغم/ لبریز از سؤالم/ با ذهن کوچک خود/ سرشار از خیالم/ پر می‌زنم به شادی/ در آسمان رؤیا جا می‌دهم در آغوش/ فردای زندگی را	۱. شناخت و احساس ۲. امید به آینده ۳. حفظ رازها ۴. تخیلی بودن کودکان
۲	این چیه؟ هر وقت می‌بینم/ تیلیک تیلیک صدا میاد/ وقتی صداش در نمی‌آد/ فک می‌کنم که اون خوابه	۵. به خواب رفتن موجودات زننده
۳	دوست‌های خوب، سلام و لبخند دارن/ دل‌هاشونو برای هم می‌آرن/ با همدیگه دست می‌دن و شاد می‌شن/ یک‌دفعه از تنهایی آزاد می‌شن	۶. توصیف دوستان خوب ۷. رابطه دوستان ۸. حال خوب داشتن در کنار دوست خوب
۴	دوست‌های خوب یه وقتایی با هم دعوا/ می‌کنن: برو نیا به خونه ما/ قهر می‌کنن آشتی می‌شن زود زود/ من نبودم تقصیر آستینم بود	۹. تفاوت اخلاق و ناسازگاری بین افراد حتی کودکان ۱۰. ابراز ندامت و پشیمانی به‌خاطر دعوا و قهر کردن
۵	دوست‌های خوب، خسته و دلگیر می‌شن/ یه وقتایی از دست هم سیر می‌شن/ ولی همین که دور می‌شن، همیشه زود دلاشون برای هم تنگ می‌شه	۱۱. در کنار هم بودن و قدر یکدیگر ندانستن ۱۲. قدر و منزلت دانستن به هنگام دور بودن ۱۳. رابطه دوستان
۶	بعضی از شب‌ها که مادر/ می‌شود بسیار غمگین/ صورتش مانند دریا/ می‌شود پر موج و چین‌چین/ تا که من می‌پرسم از او: تو چرا غمگینی امشب؟ چشمه چشمانش از اشک/ می‌شود فوراً لبالب/...	۱۴. عوامل گریه‌های مادر ۱۵. توجه بچه به مادر ۱۶. رابطه فرزند و مادر
۷	باز باران، شاد و خندان/ می‌رسد از آسمان‌ها/ می‌کند احوالپرسی/ با تمام ناودان‌ها/ مثل یک نقاش ماهر/ می‌کشد رنگین‌کمان را/ می‌نویسد روی ابری/ شعر رنگارنگ آن را/ روی شیب شیروانی/ چک‌وچک می‌خواند آواز/ دست خیس و مهربانش/ شاخه‌ها را می‌کند ناز/ می‌نویسد یادگاری/ روی برگی سبز، باران/ می‌زند تاریخ آن را/ اولین ماه از باران	۱۷. شادی به‌خاطر بارش باران ۱۸. ظاهر شدن رنگین‌کمان پس از بارش باران ۱۹. نقش انداختن پرندگان روی شاخه‌های درختان با نوک خود

<p>۲۰. داشتن آرزوی زیاد در زندگی ۲۱. دنبال آرزو بودن ۲۲. اهمیت دادن به زیبایی ۲۳. آموزش دادن صدای حیوانات ۲۴. مهربان بودن و کمک کردن</p>	<p>۸</p> <p>یه گربه بود گوش هاش یه کم کوتاه بود/ موهاش همه سیخ سیخی و سیاه بود/ همیشه فکر می کرد که خیلی زشته/ یه شب پا شد رفت پیش یک فرشته/ گفت: کاری کن گوش هام درازتر بشه/ موهام طلایی رنگ و نازتر بشه/ فرشته خوند لالا لالا لالایی/ گربه شد یه خرگوش طلایی/ ولی باز هم دنبال آرزو بود/ چون که صداش هنوز میومیو بود</p>
<p>۲۵. صحبت از طبیعت ۲۶. عوامل اذیت کردن: غرور و تکبر، قدرت نمایی ۲۷. سودمند بودن درختان، حیوانات و انسان ها ۲۸. هدف از آفرینش طبیعت و درختان ۲۹. لذت بردن از طبیعت با استفاده درست از آن</p>	<p>۹</p> <p>یک بزه بود که شاخ می زد به هرچی / شاخ هاش تیز و دراز بود و پیچ پیچی / یه روز تو کوه ها پیدا کرد یک درخت / هی شاخشو زد به درخت بدبخت / درخته گفت نکن با من شاخ بازی / چه قدر به این دو تا شاخ می نازی / من رو سرم هزار تا شاخ دارم / از شاخه هام میوه بیرون می آرم / پرنده ها رو شاخه هام می شینن / توی سایه کنار پام می شینن / تو هم بشین خستگیتو در بکن / بعد با شاخات یه کار بهتر بکن</p>
<p>۳۰. جان داشتن موجودات دیگر ۳۱. احترام به طبیعت ۳۲. تولید عسل به وسیله زنبور ۳۳. اهداف آفرینش موجودات</p>	<p>۱۰</p> <p>تو حساسی، ظریفی / شبیه بوی یاسی / تو یک زنبور هستی / که از ما می هراسی / تو دل داری مگر نه؟ / تو هم احساس داری / وگرنه پس چه کاری / به بوی یاس داری؟ / چرا که لحظه ای هم / تو را جدی ندیدیم / و گل را پیش چشمت / چه بی رحمانه چیدیم / تو را جز پای کندو / همیشه ترک کردیم / چرا که از تو تنها / عسل را درک کردیم</p>
<p>۳۴. آموزش حرکت بادبادک با جریان نسیم ۳۵. لذت بردن با بازی در طبیعت ۵۲. کوچک دیده شدن بادبادک در آسمان ۵۳. دور شدن بادبادک با پرواز کردن</p>	<p>۱۱</p> <p>نخش در دست من بود / خودش پرواز می کرد / نسیم مهربانی / تنش را ناز می کرد / شد آن بالای بالا / قد یک نقطه، کوچک / به او گفتم: چه خوبی / چه نازی بادبادک! / کمی پایین تر آمد / به دور بام چرخید / ولی یک آنتن آنجا / نخش را سفت چسبید / نخش را هر چه کردم / نشد از آنتن آزاد / کمی چرخید / بی حال / به روی بام افتاد</p>

با توجه به جدول شماره یک، از میان اشعار نمونه گیری شده پنجاه و سه مضمون پایه استخراج شد. نکته اینکه با این تعداد مضمون باز اشباع نظری ایجاد شد؛ زیرا با وجود ادامه کدگذاری پژوهش گر برای سه شعر انتخابی بعدی مضمون جدیدی کشف نشد و همه مضامین موجود به نوعی در مضامین قبلی وجود داشتند.

به طور کلی و با توجه به مضامین پایه کشف شده می توان گفت ناصر کشاورز در میان جانداران به طور مساوی به حیوانات و گیاهان توجه داشته است. در میان حیوانات بیشتر آن جاندارانی را که سودرسان هستند، همانند بز و زنبور عسل، به تصویر کشیده است.

همچنین از میان گیاهان، درختان بیشترین کاربرد را داشته است و بعد از درخت می‌توان گل، برگ، شاخسار و... نام برد. آنگاه این شاعر اهداف آفرینش هریک از موجودات را نیز بیان می‌کند. البته، گفتنی است ناصر کشاورز در اشعار خود اغلب به بازی‌های کودکان نیز توجه داشته است و آن را با ابزار بازی‌هایی همانند بادبادک به تصویر می‌کشد؛ چنانکه آرزوهای کودکان را نیز مدنظر قرار داده است.

در ادامه و با واری مجدد، مضامین پایه‌ای استخراج شد و از طریق ترکیب، تلخیص و بازنویسی، مضامین پایه در دسته‌های کلی تری جای گرفتند تا بدین ترتیب مضامین سازمان‌دهنده تدوین شوند.

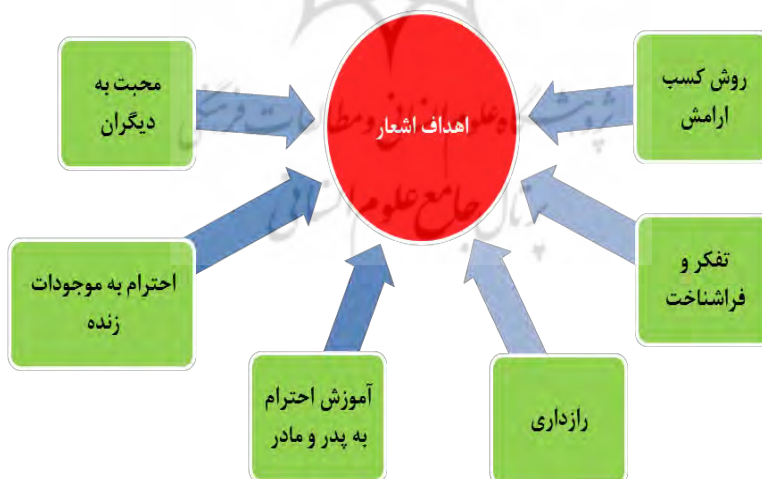
جدول شماره ۲: یافته‌های کدگذاری مرحله دو و استخراج ماتریس مضامین

مضمون فراگیر	مضمون سازمان‌دهنده	نمونه‌ای از مضامین پایه
	آموزشی و تربیتی	به پرواز درآمدن بادبادک با جریان هوا کوچک دیده‌شدن اجسام در آسمان با دورشدن از زمین ظاهرشدن رنگین‌کمان بعد از بارش باران تولید عسل به وسیله زنبور اهداف آفرینش موجودات یافتن دوست خوب
	احساسی و عاطفی	توجه به مادر و غمخواربودن او شادی به‌خاطر بارش باران مهربان‌بودن و کمک‌کردن عوامل اذیت‌کردن: غرور و تکبر، قدرت‌نمایی در کنار هم بودن و قدر یکدیگر دانستن
	طبیعت‌گرایی	توجه به طبیعت توجه به حیوانات حفاظت از گل‌ها احترام به طبیعت شناخت و احساس یکدیگر اهمیت‌دادن به زیبایی والایی رابطه فرزند و مادر
	سرگرم‌کننده و لذت‌بخش (بازی و سرگرمی)	بازی با درختان بازی با بادبادک لذت‌بردن با بازی در طبیعت

با توجه به جدول شماره دو، مضامین موجود در اشعار کودکانه ناصر کشاورز را می‌توان در دسته مضامین آموزشی و تربیتی، احساسی و عاطفی، طبیعت‌گرایی و بازی و سرگرمی قرار داد. همچنین شخصیت‌های موجود در آثار کشاورز شامل درختان و گیاهان و اسباب‌بازی‌ها، حیوانات و انسان است. در شکل دو، اهداف والای انسانی ارائه شده است که در مضمون‌های آموزشی و اجتماعی اشعار کشاورز وجود داشت.



شکل ۱: شخصیت‌ها و مضامین در اشعار ناصر کشاورز



شکل ۲: دسته‌بندی اهداف ناصر کشاورز در اشعار

۳- بحث

هدف پژوهش حاضر، تبیین مضامین برجسته و پربسامد به کاررفته در اشعار کودکان ناصر کشاورز است. این شاعر با شناخت عالی دنیای کودکان دریافته است بهترین روش تأثیرگذار در آموزش و تربیت کودکان، آموزش غیرمستقیم و استفاده از تکنیک روایتگری و خلق داستان از مسائل روزمره مخاطب و نشان دادن ریزه کاری های آموزشی و تربیتی در مسیر زندگی واقعی اوست؛ بنابراین حتی در مضامین طبیعت گرا، سرگرم کننده و احساسی و عاطفی همواره هدف های آموزشی و تربیتی مدنظر شاعر بوده است؛ به همین سبب آنگاه که خواننده با اشعاری با مضامین یادشده روبه روست، باز هم جنبه های آموزشی و تربیتی در پس زمینه آن ها خودنمایی می کند؛ پس می توان شاعر را معلمی ظریف اندیش تصور کرد که از یک سو زبان و شرایط کودک را درک می کند و از سوی دیگر با نیازهای آموزشی و تربیتی او آشناست و برای او شعر فرصتی برای ارائه اندیشه و کلامی اثربخش در حوزه نیازهای فردی و اجتماعی، طبیعی و عاطفی است که همواره جنبه های آموزشی و تربیتی و نیز سرگرمی و لذت بخش خود را حفظ کرده است. این شاعر به حرکت آغازین شعر کودک معتقد است و به شناساندن و آموزش گیاهان، جانوران، جلوه های گوناگون حیات انسانی و اخلاقیات و مضامین دینی توجه دارد. مجموعه مضامین اشعار ناصر کشاورز در چند محور اصلی خلاصه شده است: مضمون آموزشی، مضمون تربیتی، مضمون سرگرمی و لذت بخشی، مضمون احساس و عاطفی، مضمون طبیعت. نکاتی که در لابه لای کلمه های شعر ناصر کشاورز به نظر می آید، غالباً جز هدایت مطمئن و آرام واژه ها به سوی فردا و آینده های روشن، راهی دیگر نمی شناسد. در اشعارش پریشانی ها و غوغاها اندک نیست؛ طوفان و تشویش های فراوانی باید از سر گذرانده شود؛ اما اعتقاد به روشنایی ها و پاکی ها، لحظه های شاعر را به خود آغشته کرده است. در مجموع، ناصر کشاورز با بهره جستن از تخیل در آفرینش ایماژ و تصاویر، ایجاد حس و شور سحرانگیز، انسجام بخشیدن به اشعارش موفق ظاهر شده است. وی عنصر تخیل را در خدمت رشد فکری و ذهنی کودک قرار می دهد. اشعار کشاورز، همواره سرشار از خیال و دارای موضوعات و مضامینی ملموس و نزدیک به دنیای کودکان است.

ناصر کشاورز درباره چگونگی سرودن اشعار کودکان خود می‌گوید: «بیشتر شکل آدمم. بعضی وقت‌ها شکل درخت می‌شوم. میز می‌شوم. تخت می‌شوم. گنجشکی روی بند رخت می‌شوم. شکل چوب می‌شوم. بد می‌شوم، خوب می‌شوم. شکل ابر نارنجی در غروب می‌شوم. گاهی شکل پرنده می‌شوم؛ پر می‌زنم. مداد می‌شوم. سری به دفتر می‌زنم. شکل همه چیزم. درشتم، ریزم، برگ پاییزم؛ حتی آدم چسبیده زیر میزم. ولی بیشتر شکل آدمم. نه زیادم، نه کمم» (مصاحبه با ناصر کشاورزی، ۱۳۹۸/۷/۲۷). مضامین ناصر کشاورز در اشعار کودکان عبارت است از:

الف) مضامین آموزشی - تربیتی

از دیدگاه صاحب‌نظران، شعر آموزشی بیشتر به دو گونه اصلی بیان شده است: الف) اشعاری که با صراحت و زبان مستقیم سروده شده‌اند: چنان‌که گویی فرد بزرگ‌سالی کوچک‌ترها را خطاب قرار می‌دهد و آنان را به کاری امر و از کاری نهی می‌کند.

ب) اشعاری که شیوه بیان در آن‌ها صراحت زبان اشعار دسته اول را ندارد؛ ولی با بیان غیرمستقیم‌تر به توصیه و پند و اندرز می‌پردازند. هر دو گونه این شعرها، با عنوان شعر آموزشی معروف شده‌اند (گرمارودی، ۱۳۸۲: ۱۹۶-۱۹۷).

یکی از روش‌های ناصر کشاورز برای خلق مضامین آموزشی و تربیتی، طرح سؤال از زبان کودک و آغاز گفت‌وگو با شخصیت‌های داستانی (جاندار، و غیرجاندار) است که در دنیای کودکان قادر به سخن گفتن هستند. او به شکل ماهرانه از زبان خود کودک به سؤال مطرح شده پاسخ می‌دهد. مناظره و اشعاری که علاوه بر روایت‌گری و پرسش‌گری در آن به نوعی کودک در معرض «گفتم، گفت» با افراد خانواده یا سایر موجودات قرار می‌گیرد نیز از دیگر شگردهای کشاورز برای خلق مضامین آموزشی و تربیتی است. همچنین آنچه شگرد درنگ را برجسته می‌کند، کوتاهی مصراع‌هایی است که با طرح سؤال و گفت‌وگوی شخصیت‌ها ایجاد می‌شود و موسیقی کلام را تقویت می‌کند؛ نمونه: «این چیه؟ هروقت می‌بینم/ تیلیک تیلیک صدا میاد/ وقتی صداش درنمی‌آد/ فک می‌کنم که اون خوابه» (کشاورز، ۱۳۹۲: ۱).

این درحالی است که در شعر برخی شاعران کودک اساساً موضوعات بزرگسالانه تنها با زبان ساده بیان شده است. مهم‌ترین موضوعات شعر کودک در دوره معاصر، شامل مسائل اخلاقی، اجتماعی، علمی و فرهنگی و پایداری است؛ نیز اصلی‌ترین درون‌مایه‌های اشعار تعلیمی، آموزش خدانشناسی، احترام به پدر و مادر، تأکید بر دوستی و علم آموزشی و... است (کیانوش، ۱۳۵۲: ۷۶). از بررسی آثار ناصر کشاورز به‌روشنی مسائل آموزشی روز را در کنار نکات تربیتی همراه با احساس لطیف کودکانه این شاعر می‌بینیم. آماده‌کردن کودک برای شناختن، دوست‌داشتن و ورود به جامعه، شناساندن کودک به خویشتن و ایجاد رفتار احترام‌آمیز در کودکان در کنار سرگرم‌کردن و لذت‌بخش‌بودن آن از اهداف متعالی آموزشی و تربیتی در آثار این شاعر است؛ برای مثال نخستین حرکتی که در هنگام دیدن آشنایان و دوستان انجام می‌شود، سلام‌کردن همراه با لبخند است. شاعر اولین مصراع کتاب و شعرش را با سلام آغاز کرده است تا این نکته مهم اخلاقی، تربیتی را به مخاطب کودکش یادآوری کند که سلام‌کردن، آغاز سررشته محکم دوستی‌هاست. سلام به دوستان نزدیک همواره با دست‌دادن و لبخند همراه است. شاعر به‌خوبی به این نکته آگاه بوده است:

«دوست‌های خوب، سلام و لبخند دارن / دل‌هاشونو برای هم می‌آرن / با همدیگه دست می‌دن و شاد می‌شن / یک‌دفعه از تنهایی آزاد می‌شن» (کشاورز، ۱۳۹۲: ۴-۵).

همچنین شاعر در میان اشعار خود به رازداری و آموزش آن نیز اشاره کرده است: «دوست‌های خوب راز همو می‌دونن / یواشکی تو گوش هم می‌خونن» (همان: ۲۰). شاعر با استفاده از استعاره، دوست خوب را به دریا تشبیه می‌کند و از دوست دیگر تقاضا دارد که رازش را فقط به دریا بگوید که همان دوست خوب و صمیمی‌اش است. در واقع تداوم دوستی میان انسان‌ها را به‌سبب رازداری آن‌ها معرفی می‌کند: «راز منو فقط به دریا بگو / یواشکی تنهای تنها بگو» (همان: ۲۱).

در ادامه دوست دیگر را به ساحل تشبیه می‌کند و اعتقاد دارد که چون ساحل و دریا همیشه در کنار یکدیگر هستند، پس اگر دوستان خوب نیز مانند ساحل و دریا باشند، همیشه در کنار هم خواهند بود:

«ساحل و دریا با هم‌ن همیشه/ دوستان و دوستی‌شون تموم نمی‌شه/ بیا ما هم ساحل و دریا باشیم/ تا بهترین دوستای دنیا باشیم» (همان: ۲۲-۲۳).

ب) مضامین سرگرم‌کننده و لذت‌بخش

بازی جزئی جدایی‌ناپذیر از زندگی کودکان است. در واقع یکی از اصلی‌ترین ویژگی‌ها در کودکان علاقه به بازی و سرگرمی است. کودکان در غالب بازی‌های مختلف کودکانه، راه و رسم زندگی سالم را یاد می‌گیرند. همه افراد بازی‌هایی مانند بالا و پایین پریدن‌های کودکانه، قایم‌باشک‌بازی‌کردن و دور هم چرخیدن با گرفتن دست‌یکدیگر، را در دوران کودکی تجربه کرده‌اند. بازی‌های کودکانه صورت ساده‌شده زندگی و حیات اجتماعی انسان‌ها به شمار می‌روند. برخی معتقدند: «انگیزه مهم بازی در کودکان، تمایل به بزرگ‌ترشدن است و غالب بازی‌های کودکان، تقلید مشخصات زندگی بزرگ‌ترهاست» (احمدپناهی، ۱۳۸۱: ۳۴)؛ از این رو باید بازی‌های کودکان را تمرین جدی زندگی و پیش‌زمینه عمل‌کرد در دوران بزرگسالی دانست؛ زیرا «در بازی، اصول عام جامعه‌پذیری، نظیر پذیرش هنجارها، ارزش‌ها، مجازات‌ها و نظایر آن تمرین می‌شود و افراد، مهارت زندگی‌کردن در درون این قیود اجتماعی را می‌آموزند» (بخشی، ۱۳۸۹: ۹). ناصر کشاورز با آگاهی به تمایل کودکان و تأثیر آن در آموختن و تجربه‌اندوزی آن‌ها حتی مسائل مهمی مانند روابط دوستانه را در قالب بازی بیان می‌کند.

وی در اشعار خود، یکی از ویژگی‌های دوستان نزدیک و صمیمی را بازی با یکدیگر می‌داند:

«دوست‌های خوب در حال بازی‌کردن/ دست همو می‌گیرن و می‌گردن» (کشاورز، ۱۳۹۲: ۶).

نیز به بازی‌های سالمی مانند قایم‌باشک‌بازی و یا به بادبادک هواکردن اشاره می‌کند: «قایم‌باشک‌بازی چه حالی داره/ قایم می‌شن پیدا می‌شن دوباره» (همان: ۷)؛ «بادبادک‌اشون هم توی آسمون/ با هم می‌شن مهربون مهربون» (همان: ۱۲).

در واقع همه ما کودکان دیروز، با خاطرات شیرین کودکی و یادآوری شیطنت‌های خاطره‌آفرین آن، اوقات خوبی داریم و به آرامش و شادی می‌رسیم.

«کفش بزرگ‌ترها رو برمی‌دارن/ ادای اردکا رو درمی‌آرن/ هی کفش رو می‌پوشن می‌بندن» (همان: ۱۰-۱۱).

از دیدگاه ناصر کشاورز بازی به رفاقت و دوستی عمیق می‌انجامد. از ویژگی‌های دوستان خوب، آوردن هدیه برای همدیگر و سعی در خوشحال کردن هم است. به‌ویژه اگر هدیه‌ها اسباب‌بازی‌های کودکانه باشد و با آن‌ها بتوان بازی‌های تازه و ارتباط‌های ساده کودکانه را گسترش داد.

دوست‌های خوب به هم توجه دارن/ هدیه برای همدیگره می‌آرن/ می‌آرن اسباب‌بازی یه عالمه/ با اون گرم بازی می‌شن همه» (همان: ۸-۹).

البته ممکن است گاهی دوستان با یکدیگر بر سر مسئله‌ای هرچند ناچیز دعوا کنند و کارشان به قهر و حتی توهین نیز بکشد. این اتفاقی طبیعی در روابط انسان‌ها و کودکان است. با این تفاوت که کودکان بسیار زود مسائل را به فراموشی می‌سپارند و نادیده می‌گیرند؛ قهر و آشتی را با گذشت کنار می‌گذارند و آشتی می‌کنند و روابط دوستانه خود را دوباره و چندباره از سر می‌گیرند؛ حتی احتمال دارد هیچ‌گونه عذرخواهی از یکدیگر نیز در بین نباشد. شاعر با ذکر داستان دعوی احتمالی بین دو هم‌بازی کودک و قهر و سپس آشتی سریع آن‌ها با هم در واقع کنایه‌ای به بزرگ‌ترها نیز می‌زند و بیان می‌کند که بزرگ‌سالان نیز باید در رفتارشان درباره قهر و آشتی بکوشند تا مانند خردسالان عمل کنند:

«دوست‌های خوب یه وقتایی با هم دعوا/ می‌کنن: برو نیا به خونه ما/ قهر می‌کنن آشتی می‌شن زود زود/ من نبودم تقصیر آستینم بود» (همان: ۱۶-۱۷).

دوستان خوب هرچند هم از یکدیگر دل‌گیر باشند، زود دلشان برای یکدیگر تنگ می‌شود:

«دوست‌های خوب، خسته و دل‌گیر می‌شن/ یه وقتایی از دست هم سیر می‌شن/ ولی همین که دور می‌شن، همیشه/ زود دلشون برای هم تنگ می‌شه» (همان: ۱۸-۱۹).

ج) سروده‌های احساسی و عاطفی

ناصر کشاورز باور دارد که شاعر کودک باید به دنیای خیالی آن‌ها آگاه باشد؛ روح و

روان مخاطب خود را بشناسد و بتواند مفاهیم و پدیده‌های هستی را از زاویه نگاه او درک کند و به او گوش جان بسپارد. «دنیایی که کودک در آن به سر می‌برد، همان تصاویری است که از پدر و مادر، خانه و طبیعت و کوچه‌های اطراف خود در ذهنش دارد که با ترسیم خطوط راست و شکسته و موج مدادهای سیاه یا رنگی‌اش، آن را نقاشی کرده است و ذهنیت خود را بر هر بیننده‌ای بازگو می‌کند و متوجه است که به کاربردن هریک از رنگ‌ها می‌تواند معانی روان‌شناختی خاصی را داشته و دارای یک محتوای عاطفی و هیجانی باشد» (سلاجقه، ۱۳۸۵: ۱۵۵)؛ از این رو، در اشعار کودکانی وی مضامین احساسی و عاطفی نیز با ظرافت و گستردگی وجود دارد و می‌توان به برخی از اشعار وی مضامین عاطفی را نسبت داد. ناصر کشاورز در شعر زیر به این امر توجه کرده است:

«بعضی از شب‌ها که مادر/ می‌شود بسیار غمگین/ صورتش مانند دریا/ می‌شود پُرموج
و چین‌چین/ تا که من می‌پرسم از او:/ تو چرا غمگینی امشب؟ چشمه چشمانش از
اشک/ می‌شود فوراً لبالب...» (کشاورز، ۱۳۸۷: ۱۷).

مسیر رشد، مسائل خانوادگی و مشکلات آن که اغلب در اجتماع و روابط اجتماعی ریشه دارند، از نگاه تیزبین کودک دور نیست و برخلاف تلاش والدین بر پنهان‌کاری و کتمان کردن برخی از واقعیت‌های تلخ زندگی، ذهن کنجکاو، روح حساس و درون پاک کودک، بیش از هر بزرگ‌سالی ناسازگاری‌ها و غم‌ها، ناراحتی‌ها، کمبودها و تنگ دستی‌های موجود در خانواده را لمس و حس می‌کند؛ به گونه‌ای که گاهی حتی در پی ریشه‌یابی و چاره‌جویی مشکلات برمی‌آید و برای برطرف کردنشان می‌کوشد. بر این اساس است که شاعر در شعر «پاییز پدر» با بیان گزاره‌هایی کوتاه و با واژه‌هایی ساده و آشنا، اندوه مادر را به تصویر می‌کشد و علت غم وی را بازگو می‌کند. شاعر، از سر هنر به آن نگرسته است و در تخیل شاعرانه خود از دو موتیف آشنای دریا و موج بهره می‌گیرد؛ چین‌های ظاهر شده بر صورت مادر غمگین خود را مانند موج‌های دریا دانسته است و با همانندپنداری بین دو موتیف برگرفته از طبیعت که برای کودک حس‌کردنی و لمس‌کردنی است، خویشتن‌داری مادر و اندوهش را به زیبایی بازگو می‌کند.

د) طبیعت‌گرایی

علت نام‌گذاری مضمون طبیعت‌گرایی بر اشعار کودکان ناصر کشاورز از این جهت است که همواره به طبیعت نیز در اشعارش توجه داشته است؛ عامل این امر می‌تواند گستردگی، تنوع موضوعات و پدیده‌های موجود در آن و زیبایی و دل‌انگیزی آن، به‌ویژه برای کودک، و تناسبی باشد که میان تمایلات و ویژگی‌های روحی و روانی کودک با طبیعت وجود دارد. «از طرف دیگر، کشاورز این امر را مدنظر خود قرار داده است که شعر کودک باید آشنا با روح و روان کودک بوده و بداند کودک در دنیای خیالی خود که آن را متناسب با سن و سال و تصورات ذهنی خود ساخته، و با مفاهیم زیبا و شاد کودکانه‌اش آن را زیباتر ساخته و بسط داده، احساس غربت نکرده، در خیال خود با حرف‌زدن و لمس نمودن و در آغوش کشیدن ماه و ستارگان و خورشید و... با آن‌ها ارتباط برقرار می‌کند. بر این اساس، هر روز چشم به آسمان می‌دوزد و به خورشید سلام کرده یا جواب سلامش را با زبان کودکانه‌اش پاسخ می‌دهد، حرف‌های زیبایی با رنگین‌کمان دارد و آرزو می‌کند که رنگ‌های شاد آن همیشه کنارش باشند. باید متوجه بود که کودک در دنیای شاد خود، رنگ سیاه یا شب را دوست ندارد؛ اما عاشق ستاره‌ها است، و با زبان شیرین کودکانه‌اش می‌گوید، ستاره‌ها مثل خورشید زرد و نورانی هستند، او از بارش باران لذت برده و زیر باران دست به دعا برداشته، و حرف‌های شاد کودکانه‌ای بر زبانش جاری می‌شود» (سلاجقه، ۱۳۸۵: ۶۶).

برای نمونه خواننده با اشعاری روبه‌رو می‌شود که در آن‌ها شاعر از زبان پدیده‌های طبیعی با کودکان سخن می‌گوید: «یک عالمه برف، دور و بر ماست، یک دانه پارو، در دست باباست / او کرده پارو، این برف‌ها را، یخ کرده دستش، از سوز سرما / با اینکه کارش، خیلی زیاد است، از خنده‌هایش، پیداست شاد است / ای کاش می‌شد، خورشید باشم، بر دست بابا، گرما بپاشم» (کشاورز، ۱۳۸۵: ۱۴). شاعر بر این احساسات لطیف کودک چشم‌نسته است و با آگاهی کامل از لطافت دنیای پاک و بی‌ریای مخاطبانش، در اشعار خود با بهره‌گیری از موتیف‌های طبیعت، از سر هنر خود، زیبایی و ظرافت خیال کودک و طبیعت را به‌خوبی درهم تنیده و با پاشیدن رنگ زیبایی بر آن‌ها، اشعارش را با

زیبایی‌های برگرفته‌شده از طبیعت، منقش کرده است؛ مثال:

«باز باران، شاد و خندان / می‌رسد از آسمان‌ها / می‌کند احوال‌پرسی / با تمام ناودان‌ها /
مثل یک نقاش ماهر / می‌کشد رنگین‌کمان را / می‌نویسد روی ابری / شعر رنگارنگ آن را /
روی شیب شیروانی / چک‌وچک می‌خواند آواز / دست خیس و مهربانش / شاخه‌ها را
می‌کند ناز / می‌نویسد یادگاری / روی برگ‌های سبز، باران / می‌زند تاریخ آن را / اولین ماه از
باران» (کشاوری، ۱۳۸۷: ۲۱).

«یه گربه بود گوشه‌اش یه کم کوتاه بود / موهاش همه سیخ‌سیخی و سیاه بود / همیشه
فکر می‌کرد که خیلی زشته / یه شب پاشد رفت پیش یک فرشته / گفت: کاری کن
گوشه‌ام درازتر بشه / موهام طلایی‌رنگ و نازتر بشه / فرشته خوند لالا لالا لالایی / گربه
شد یه خرگوش طلایی / ولی باز هم دنبال آرزو بود / چون که صداش هنوز میومیو بود»
(همان، ۱۳۹۴: ۱۹).

کودک در دنیای ناب کودکی خود انس و الفتی خاص با جانوران و طبیعت دارد. او
ساعت‌ها بدون هیچ ترس و واژه‌ای از افتادن و یا آزار دیگر حیوانات موزی، در صحرا
به دنبال سنجاقک، شاپرک‌ها و پروانه‌های رنگی می‌دود؛ در گذر از روستایی، بر ابرهای
سفید سوار می‌شود و در آسمان آبی و هوای پاک آن به پرواز درمی‌آید؛ بعد به دنبال
شنیدن صدای هریک از حیوانات، خود آن‌ها را جست‌وجو می‌کند و وقت خود را با
نوازش کردن و حرف‌زدن با آن‌ها سپری می‌کند؛ گاه سوار بر تکه چوبی است و ساعت‌ها
در دشت اندیشه‌اش اسب‌رانی می‌کند؛ گاه نیز با بستن بال‌های رنگی بر خود، خویش را
شبه پرنده و پروانه می‌بیند و آرزوی پروازش را بیان می‌کند.

کشاوری بر این نکته تأکید می‌کند که کودکان با توجه به نوع نگاه‌شان خود را محور جهان
می‌دانند و تمام اجزای آن را جاندار تصور می‌کنند. او در خیال‌آفرینی‌های خود، جانوران و
دیگر اجزای طبیعت، اشیا و موجودات بی‌جان محیطش را جاندار پنداشته است؛ مثال:

«یک بزه بود که شاخ می‌زد به هرچی / شاخ‌هایش تیز و دراز بود و پیچ‌پیچی / یه روز
تو کوه‌ها پیدا کرد یک درخت / هی شاخشو زد به درخت بدبخت / درخته گفت نکن با
من شاخ‌بازی / چه قدر به این دو تا ساخت می‌نازی / من رو سرم هزار تا شاخ دارم / از

شاخه‌ها میوه بیرون می‌آرم / پرنده‌ها رو شاخه‌های می‌شینن / تو سایه کنار پام می‌شینن / تو هم بشین خستگیتو در بکن / بعد با شاخات یه کار بهتر بکن» (کشاوری، ۱۳۹۴: ۱۸).

اغلب مضامین شعری ناصر کشاوری برگرفته از طبیعت و جانوران، محیط پیرامون و دنیای خیالی کودک است. مضامینی مانند مورچه و نقطه، گربه و آب، پروانه و صحرا، شاپرک و ستاره‌ها، سگ و نگهبان، روباه و مرغ، بره و صحرا و برگ بید و... که در بحث طبیعت و جانوران به آن‌ها اشاره شده است. البته کشاوری از موضوعاتی مثل بادبادک و پروانه، شاپرک، گنجشک، چرخ و فلک، آدم برفی، رنگین کمان، ماهی و حوض، ماه و حوض، گرگ و بره، بره، بزغاله، علف، کفش دوزک، پینه‌دوز، ابر پاره‌پاره، مترسک، سنجاقک و... نیز بهره گرفته و به خلق مضامین زیبا آشنا و مدنظر کودکان پرداخته است و از این طریق فضایی شاعرانه و لطیف و متفکرانه برای مخاطب خود خلق کرده است.

گفتنی است این مضمون‌ها اغلب از محیط اطراف کودک، بازی‌ها و علایق او انتخاب شده‌اند و گاهی در فضای شعری معنای نمادین یافته‌اند؛ گاهی نیز با به‌کاررفتن در معنی خود همانند یک مضمون یا نشانه در خدمت غنی‌سازی فضا و زبان کودکان شعرند (سلاجقه، ۱۳۸۵: ۱۶۵)؛ همانند نمونه‌های زیر:

زنبور عسل و بوی گل یاس:

«تو حساسی، ظریفی / شبیه بوی یاسی / تو یک زنبور هستی / که از ما می‌هراسی / تو دل داری مگر نه؟ / تو هم احساس داری / وگرنه پس چه کاری / به بوی یاس داری؟ / چراکه لحظه‌ای هم / تو را جلدی ندیدیم / و گل را پیش چشمت / چه بی‌رحمانه چیدیم / تو را جز پای کندو / همیشه ترک کردیم / چراکه از تو تنها / عسل را درک کردیم» (کشاوری، ۱۳۸۶: ۲۷).

بادبادک و نخ و پرواز:

«نخش در دست من بود / خودش پرواز می‌کرد / نسیم مهربانی / تنش را ناز می‌کرد / شد آن بالای بالا / قد یک نقطه، کوچک / به او گفتم: چه خوبی / چه نازی بادبادک! / کمی پایین‌تر آمد / به دور بام چرخید / ولی یک آنتن آنجا / نخش را سفت چسبید / نخش را هرچه کردم / نشد از آنتن آزاد / کمی چرخید و بی‌حال / به روی بام افتاد» (همان، ۱۳۷۱: ۲۶).

۴- نتیجه‌گیری

- شعر کودک برگرفته از دنیای رنگارنگ، پرموسیقی و توأم با تحرک و بازی است و در پرورش و رشد کودکان متفکر، اجتماعی، عاطفی و آموزش‌دیده - که قادرند آینده‌ای روشن خلق کنند - بسیار مؤثر است.

- ناصر کشاورز با خلق چهار مضمون فراگیر آموزشی و تربیتی، سرگرم‌کننده و لذت‌بخش، احساسی و عاطفی و طبیعت‌گرا توانسته است با اهدافی مانند آموزش خوبی‌های جهان‌شمول به کودکان و با رخنه در همه ابعاد وجودی آن‌ها مضمون‌های شعری‌اش را به وسعت زندگی کودکان گسترش دهد؛ به‌طوری‌که می‌توان تنوع تولید محتوا و مضمون را ویژگی سبکی او دانست.

- ناصر کشاورز با شناخت دنیای درونی و بیرونی کودکان و ارتباط‌دادن مخاطب به جنبه‌های اجتماعی، عاطفی، و تربیتی محیط اطرافش توانسته است مضامینی بکر برای کودکانش بیافریند. با مطالعه اشعار این شاعر مخاطبان‌ش شعر و زندگی را به هم می‌بافند و پیوسته آن را تجربه می‌کنند.

- حالت کودک شاعر کشاورز باعث شده است بسیاری از مضامین شعری او زمینه‌هایی تأثیرگذار برای تجربیات تربیتی و تعلیمی در کودکان ایجاد کند.

- مضمون‌های سرگرم‌کننده و بازی‌گونه علاوه‌بر تجربیات نرم آموزشی باعث انس کودکان با ادبیات و لذت‌بردن از آن است.

در پایان می‌توان گفت در میان شاعران معاصر در حوزه شعر کودک، ناصر کشاورز و آثارش از جایگاه رفیعی در حوزه تعلیم و آموزش کودکان برخوردار است. در کنار اطلاعات عمومی گوناگونی که شعر کشاورز در کنار ساده‌فهم‌بودن به مخاطب خود ارائه می‌دهد، مفاهیم والا و مهمی مانند سجایای اخلاقی، روابط اجتماعی، شناخت عواطف و احساسات و طبیعت‌گرایی را به او آموزش می‌دهد. حال آنکه براساس نظریات روان‌شناسان رشد و تحول، دوره کودکی حساس‌ترین مرحله رشد کودک در مفاهیمی مانند اصول اخلاقی و اجتماعی و هویت‌یابی است. ازسوی دیگر می‌توان با تعمق در آثار کشاورز به این نکته رهنمون شد که آبشخور درون‌مایه‌های تربیتی اشعار او علاوه‌بر

تجربیات شخصی شاعر به درک عمیق او از فرازونشیب‌ها و حساسیت‌های زندگی کودکان ایرانی متصل است.

منابع

۱. احمدپناهی، محمد (۱۳۸۱)، *ترانه و ترانه‌سرایی در ایران*، تهران: سروش.
۲. اسحاقی، اسداله (۱۳۹۵)، *بررسی و تحلیل فرهنگ عامه در آثار ناصرکشاورز*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور استان یزد، مرکز تفت.
۳. الله‌بخش، عباس (۱۳۹۹)، *ایماژ و تصویرگری در اشعار کودکان ناصرکشاورز*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور استان فارس، مرکز جهرم.
۴. بخشی، علیرضا (۱۳۸۹)، *تصاویر متعالی در ادبیات عرفانی*، تهران: قلم علم.
۵. جنکس، کریس (۱۳۸۸)، *دوران کودکی*، ترجمه سارا ایمانیان، تهران: نشر اختران.
۶. سلاجقه، پروین (۱۳۸۵)، *از این باغ شرقی*، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
۷. سهراب مافی، معصومه (۱۳۷۲)، *هفده مقاله درباره ادبیات کودک*، تهران: شورای کتاب کودک.
۸. شفیع‌ی کدکنی، محمدرضا (۱۳۹۸)، *صور خیال در شعر فارسی*، تهران: نشر آگه.
۹. علی پور، زهرا (۱۳۹۳)، *جایگاه صور خیال در شعر معاصر کودک*، تهران: عضدی.
۱۰. کشاورز، ناصر (۱۳۹۲)، *اتل متل ترانه شعرهای کودکان*، تهران: افق.
۱۱. _____ (۱۳۷۱)، *باغ رنگارنگ آواز قشنگ*، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
۱۲. _____ (۱۳۸۷)، *حس خوب مادرم*، تهران: افق.
۱۳. _____ (۱۳۸۶)، *درخت و برگ و ریشه*، تهران: افق.
۱۴. _____ (۱۳۸۴)، *رنگ‌های گمشده*، مشهد مقدس: به‌نشر.
۱۵. _____ (۱۳۹۴)، *گربه به من می‌داد*، تهران: افق.

۱۶. _____ (۱۳۸۳)، *مداد کوتاه*، تهران: شرکت شباوین.
۱۷. کیانوش، ناصر (۱۳۵۲)، *شعر کودک در ایران*، تهران: آگاه.
۱۸. گرمارودی، سیدمصطفی (۱۳۸۲)، *شعر کودک از آغاز تا امروز*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۹. معدنکار، مولود (۱۳۹۴)، *موسیقی شعر ناصر کشاورز*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه بین‌المللی امام رضا (ع).
۲۰. مقصدلوراد، آذر؛ نودهی، کبری (۱۳۹۴)، «بررسی و تحلیل محتوا و درون‌مایه در آثار ناصر کشاورز (با تکیه بر چهار مجموعه شعری)»، *همایش بین‌المللی جستارهای ادبی زبان و ارتباطات فرهنگی*، برگرفته از <https://en.civilica.com/doc/533047>.
۲۱. نجفی، عبدالمجید (۱۳۹۰)، *زیر گنبد کبود: صور خیال در شعر کودک و نوجوان*، تهران: سوره مهر.
۲۲. نورتون، دونا (۱۳۸۲)، *شناخت ادبیات کودکان*، ترجمه منصوره راعی و همکاران، تهران: مؤسسه پژوهشی تاریخ ادبیات کودکان.